

## عنوان مقاله:

عنصر شخصیت در رمان های «رجال فی الشمس» اثر غسان کنفانی و «خشم و هیاهو» اثر ویلیام فاکنر (با تکیه بر نظریه فیلیپ هامون)

## محل انتشار:

کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره 11، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسندگان:

پیمان صالحی - دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایران

شادی شاهپسندی - دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایران

## خلاصه مقاله:

فیلیپ هامون، نظریه پرداز و نشانه شناس معاصر فرانسوی، از جمله صاحب نظرانی است که از زاویه دید جدیدی به عنصر شخصیت نگریسته است. نظریه او به دلیل دربرگرفتن آراء نظریه پردازان پیشین، می تواند به شناخت چپستی، مفاهیم و دلالت هایی که در پس شخصیت ها نهفته است بپردازد. این نظریه یکی از نظریه های جامع و دقیق پیرامون عنصر شخصیت است. با عنایت به اینکه شخصیت ها در رمان های «رجال فی الشمس» اثر غسان کنفانی و «خشم و هیاهو» اثر ویلیام فاکنر نقش بسیار برجسته ای ایفا می کنند، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی عنصر شخصیت را در دو رمان مذکور براساس نظریه فیلیپ هامون از حیث: انواع شخصیت، سطوح توصیف شخصیت، مدلول شخصیت و دال شخصیت، مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می دهد که کنفانی و فاکنر ضمن استفاده از شخصیت های تاریخی، اجتماعی، اسطوره ای و مجازی به تمام شخصیت ها فرصت نقش آفرینی داده اند. علی رغم اینکه روایت در بخش های زیادی از دو رمان بر اساس تکنیک جریان سیال ذهن است، ولی حضور دو نویسنده در مواردی چون بیان جزئیات، بیان افکار شخصیت ها، توصیف صحنه ها و... مشهود است. از سوی دیگر، پرسش های مطرح شده در رمان توسط راوی، بیانگر در نظر گرفتن جایگاهی برای خواننده است. این دو نویسنده توانسته اند اسامی، اوصاف و القاب شخصیت ها را با کارکرد داستانی خود هماهنگ و هم سو سازند و با توصیف ابعاد گوناگون شخصیت ها خواننده را در مقابل تصویری تمام نما از آنان قرار دهند.

## کلمات کلیدی:

فیلیپ هامون، غسان کنفانی، ویلیام فاکنر، رجال فی الشمس، خشم و هیاهو، شخصیت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1240956>

